

بررسی فقهی ماهیت وجودی نفقه زوجه و کمیت و کیفیت آن در مذاهب خمس

مهران اردستانی؛ حسین انگورج تقوی^۲

^۱ وکیل دادگستری

^۲ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی چالوس

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد الکترونیکی

گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد الکترونیکی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

مهران اردستانی

چکیده

امین نفقه یا هزینه زندگی زوجه بر اساس قرآن، سنت و اجماع فقها بر زوج واجب است و مصادیق آن در زمان ها و مکان های مختلف گوناگون می باشد و آن چه که در عبارات فقها در ذکر مصادیق نفقه آمده است برای بیان موارد رایج در عصر خودشان بوده است و جنبه انحصاری ندارد. زیرا زندگی بطور مداوم در حال تغییر و تحول است و هر روز نیازهای جدیدی پیش می آید که برخی از آن ها می تواند از جمله موارد نفقه زن به شمار آید. در این پژوهش احکام و آثار نفقه زوجه با تکیه بر کتاب مسالک الافهام شهید ثانی و کتاب الفقه الاسلامی و أدلته، و هیاهل زحیلی مورد بررسی قرار می گیرد. در بسیاری از موارد بین نظریات شهید ثانی و دکتر زحیلی توافق وجود دارد. از جمله اینکه شهید ثانی و دکتر زحیلی هر دو معتقدند که تمکین شرط وجوب نفقه زوجه می باشد. همچنین در صورت عجز شوهر از پرداخت نفقه هر دو معتقدند که زوجه حق طلاق و فسخ نکاح را ندارد. البته در برخی از موارد نیز بین دیدگاه های این دو فقیه اختلاف نظر وجود دارد مثلاً در مورد ماهیت نفقه نسبت به لباس، شهید ثانی معتقدند که زوجه فقط اجازه استفاده از لباس را دارد و مالک آن نمی شود ولی دکتر زحیلی معتقدند زوجه مالک لباس می شود. در مورد تعیین میزان و مقدار نفقه، شهید ثانی وضعیت و شان زوجه را ملاک می دانند ولی دکتر زحیلی وضعیت و توانایی مالی شوهر را ملاک می دانند. برای تشخیص ماهیت حق زن بر نفقه و بررسی اختلاف نظر فقها در این بحث، باید میان اموالی که انتفاع از آن ها موجب تلف شدن آن هاست و اموالی که استفاده از آن ها سبب تلف شدن عین آن نیست تفاوت قائل شد؛ زیرا هر یک حکم مستقل دارد. در بحث کمیت و کیفیت نفقه، در شرع برای نفقه مقدار معینی مشخص نگردیده است و به همین خاطر اختلافات بسیاری میان فقها برای تشخیص نفقه و مصادیق آن وجود دارد و فقها در بیان انواع و مصادیق نفقه برخی سه برخی شش، بعضی هفت و در نهایت هشت مورد را ذکر نموده اند.

واژگان کلیدی: زوج؛ زوجه؛ نفقه؛ تمکین؛ نکاح؛ مذاهب خمس.

مقدمه

مقصود از ماهیت نفقه یا به صورت تملیکی است یا امتاعی، مقصود از تملیک در نفقه، آن است که زوج نفقه را به ملک زن درآورده و در تصرف وی قرار دهد. فقها بر وجوب نفقه زوجه اتفاق نظر دارند خواه زوجه مسلمان باشد یا کافر در صورتی که نکاح صحیح باشد. بنابراین هرگاه آشکار شود ازدواج فاسد و باطل بوده است زوج به آنچه که از نفقه به زوجه پرداخته است رجوع می کند. وجوب نفقه در قرآن، سنت، اجماع، عقل ثابت شده است. (حصکفی، ص ۵۷۲)

فقههای امامیه برای وجوب نفقه زوجه به کتاب، سنت و اجماع استدلال کرده اند و فقههای عامه علاوه بر آن به عقل و قیاس نیز تمسک نموده اند. (نجفی، ج ۳۱، ص ۳۰۱ و شهیدثانی، ج ۸، ص ۴۳۹)

الف) کتاب (قرآن کریم)

مهم ترین آیاتی که برای وجوب نفقه زوجه به آن ها استدلال شده عبارت اند از:

آیه اول

«عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» بر صاحب فرزند (پدر) است که خوراک و پوشاک مادر را به طور متعارف و شایسته بدهد. (بقره: ۲۳۳)

خداوند متعال پس از این که احکام طلاق را در آیات قبلی بیان نموده است در این آیه پدران را به تأمین خوراک و پوشاک مادران به نحو متعارف مکلف نموده است. بسیاری از فقها برای وجوب نفقه زوجه به این آیه استدلال نموده اند. (نجفی، ج ۳۱، ص ۳۰۱ و شهیدثانی، ج ۸، ص ۴۳۸ و سبزواری، ص ۲۸۷ و کاسانی، ص ۱۵)

آیه دوم

«لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا» باید از وسعت خود انفاق کند و آن که تنگدست و فقیر باشد باید از آنچه خدا به او داده انفاق کند خدا هیچ کس را جز به اندازه آنچه که به او داده تکلیف نمی کند. (طلاق آیه ۷)

این آیه مانند آیه قبل درباره مطلقات می باشد و خداوند در آیه فوق امر به انفاق می کند که هر کس به اندازه وسعت و توانایی خویش انفاق کند، کسی که دارای وسعت و گشایش در روزی است بر حسب حال خود و با گشاده دستی و کسی که رزق و روزی اش کم است و معسر و تنگدست می باشد به میزان آنچه که خدا به او عطا کرده انفاق نماید.

ب) سنت

روایات بسیاری بر وجوب نفقه زوجه دلالت می کنند که در اینجا به بیان برخی از آن ها اکتفا می کنیم.

روایت اول

امام صادق (ع) می فرماید: زنی خدمت پیامبر (ص) آمد و از حق زوج بر زوجه پرسید و پاسخش را شنید، سپس از حق زوجه بر زوج پرسید، پیامبر (ص) فرمود:

«يَكْسُوها مِنَ الْعُرْيِ وَيَطْعُمُها مِنَ الْجُوعِ وَإِذَا أَذْنَبَتْ غَفَرَ لَها: مرد باید بدن زن را بپوشاند، شکم او را سیر کند و اگر زن متوجه جهالتی شده، وی او را ببخشد». (الکافی، ج ۵، ص ۵۱۱)

این حدیث نیز به صراحت بر وجوب نفقه زوجه دلالت دارد و نفقه را حق زوج دانسته، مرد را به تأمین آن مکلف می کند.

روایت دوم

امام صادق (ع) از پیامبر (ص) نقل می کنند که آن حضرت فرمودند:

«مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ صَيَّحَ مَنْ يَعُولُ: مورد لعن و نفرین است کسی که خانواده و عائله خویش را ضایع کند». (حرعاملی، ج ۲۱، ص ۵۴۳)

یعنی حقوق آن ها را تضییع کند و هزینه های زندگی آن ها را تأمین نکند. (فرشتیان، ص ۴۴)

ج) اجماع

اصل وجوب نفقه، مسأله ای اجماعی است و همه فقهای مذاهب خمس بر آن اتفاق نظر دارند. (ابوزهرة، ص ۲۹۶ و نجفی، جلد ۳۱، ص ۳۰۱ و بهوتی، ج ۵، ص ۴۰۱) ابوزهرة در کتاب «محاضرات فی عقد الزواج» می نویسد: مسلمانان از صدر اسلام تا کنون بر وجوب نفقه اجماع کرده اند و احدی با آن مخالفت نکرده است. (ابوزهرة، ص ۲۹۶)

ت) عقل

در مذاهب چهارگانه اهل سنت به دلیل عقلی بر وجوب نفقه، استدلال شده است. از آنجا که شوهر به جهت استمتاعاتی که از زوجه دارد، باعث می شود زوجه از برخی منافع محروم و محبوس گردد، باید مئونه و هزینه های زندگی زوجه اش را در عوض این احتباس یا به جزای این احتباس تأمین نماید، همچنان که امام از بیت المال باید نفقه کسانی را که به جنگ رفته اند به جهت آن که نفوس خویش را برای جهاد حبس کرده اند، بپردازد. بنابراین شوهر نیز باید نفقه زوجه اش را که نفس خویش را برای استمتاع وی حبس نموده، بپردازد. (بغوی، ج ۶، ص ۳۲۳)

تفاوتی که در استدلال فوق میان مذاهب مذکور وجود دارد، آن است که حنفی ها نفقه را جزای احتباس و مذاهب دیگر آن را عوض احتباس یا تمکین می دانند.

۱- ماهیت فقهی نفقه

آیا زن آنچه را که مرد به عنوان نفقه به وی می دهد مالک می شود یا صرفاً اذن در انتفاع پیدا می کند و او فقط می تواند از آن استفاده کند؟

در صورتی که شوهر نفقه را به زن تملیک کند وی حق هرگونه تصرف و استفاده از آن را دارد و همانند اموال خویش می تواند آن را بفروشد یا ببخشد یا با صرفه جویی آن را پس انداز کند و در صورت تلف شدن حتی در اثر افراط و تفریط در برابر شوهر مسئول نخواهد بود؛ اما در صورتی که مرد نفقه را به همسرش امتاع کند وی فقط حق استفاده از آن را دارد و از تصرفات مالکانه در آن محروم است. (صدر، ج ۶، ص ۲۸۱) و فقط با اذن شوهر حق این گونه تصرفات را دارد و در صورت استفاده نادرست و افراط و تفریط در برابر همسرش مسئول خواهد بود. در مورد تملیک یا حق استفاده از نفقه سه دیدگاه در فقه وجود دارد.

۱. ماهیت اموالی که انتفاع از آن ها موجب از بین رفتن آن هاست

در مورد اموالی چون خوردنی ها و نوشیدنی ها و اشیائی مانند صابون، روغن که مصرف کردن آن ها موجب تلف شدن عین آن هاست، تمامی فقهای مذاهب غیر از مذهب حنفی، معتقدند اتفاق زوج بر زوجه به وجه تملیکی است و زن پس از دریافت این قبیل اشیاء حق تصرف مالکانه در آن ها را دارد.

در مورد این اموال مصرف شدنی باید مالکیت زن را بر نفقه پذیرفت زیرا اولاً در این اموال حق انتفاع از مالکیت جدا شدنی نیست چراکه انتفاع از این اموال با از بین رفتن و تلف شدن عین آن ها همراه است و به همین دلیل هنگامی که مرد نفقه همسرش را می پردازد ظاهراً قصد تملیک دارد و همین ظهور عرفی کافی است تا زن را مالک نفقه بدانیم. (کاتوزیان، ج ۱، ص ۱۷۶)

۲. ماهیت اموالی که انتفاع از آن ها موجب از بین رفتن عین آن ها نیست

اموالی مانند مسکن، اثاثیه منزل، لباس و... که استفاده از آن ها موجب تلف شدن اصل آن نمی شود، هرچند با به کار گرفتن فرسوده می شوند، ولی عین آن ها باقی می مانند، با توجه به احکام متفاوتی که دارند به دو دسته تقسیم می شوند:

الف) مسکن و خادم

به اجماع فقهای مذاهب، مسکن و خادم، مورد تملیک زوجه قرار نمی گیرد، تنها بر شوهر واجب است برای همسرش مسکنی را جهت استفاده از منافع آن، تهیه نماید، خواه تهیه مسکن به صورت اجاره یا رهن یا عاریه باشد. هم چنین زن مالک منافع خادم نیست، بلکه اگر زنی به اقتضای شأن خود، به خدمت در خانه نمی پردازد و در خانه پدر دارای خدمتکار بوده و یا به علت بیماری احتیاج به خادم دارد، می تواند از شوهر، مطالبه خادم نماید و از منافع خدمتکار استفاده کند و مرد مخیر است خادمی را اجیر کند یا آن که خود به خدمت زن برخیزد.

ب) لباس و اثاث منزل

درباره این اموال میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. حنفی ها و برخی از شافعی ها و برخی از فقهای امامی، قائل به امتاعی بودن این اموال هستند و حنبلی ها در ظروف، وسایل پخت و پز و نظافت و مانند آن همین نظر را دارند، ولی در لباس، فرش و امثال آن معتقدند پس از دریافت این اموال، به مالکیت زوجه درمی آیند. مالکی ها و برخی از فقهای شافعی و امامی حکم این قسم را مانند خوراک دانسته که زوج به همسرش تملیک می کند و زن مالک آن ها شده و حق تصرف مالکانه دارد.

۳. ثمرات فقهی اختلاف در امتاعی یا تملیکی بودن نفقه

الف) اگر انفاق به صورت تملیک باشد، زوجه می تواند به هر نحو که بخواهد در آن تصرفات مالکانه انجام دهد، مثلاً اگر بخواهد لباس خود را بفروشد یا اجاره و یا عاریه بدهد و... به شرط آن که با غرض زوج از انفاق لباس یا طعام، منافات نداشته باشد، مانند آن که لباسی را برای تزئین و تجمل و مانند آن انفاق کرده یا طعام را به منظور قوت زن انفاق کرده است، اگر زن خوراک یا لباس را به مصرف خود نرساند و به دیگری بدهد، این بخشش او، در خوراک، منجر به ضعف می شود و در احوال او یا تمکین او تأثیر دارد؛ اما اگر نفقه تنها به خاطر انتفاع زوجه باشد، فروش و اجاره و مانند آن جایز نمی باشد، مگر مالک آن یعنی زوج، به او اجازه دهد و زوجه به اندازه نیاز خود، از مصادیقی که به او انفاق می شود حق بهره برداری دارد. (نجفی، ج ۳۱، ص ۳۴۹ و شهیدثانی، ج ۸، ص ۶۶)

ب) بنا بر قول بر امتاع، زوج حق دارد چیزهایی که به همسرش داده است را از او بگیرد و به جای آن چیز دیگری را به او بدهد، ولی بنا بر قول تملیک این حق برای زوج ثابت نمی شود. (نجفی، ج ۳۱، ص ۳۴۹ و شهیدثانی، ج ۸، ص ۶۶)

د) اگر زوج بخواهد با عاریه کردن یا اجاره نمودن لباس، نیاز زن را به پوشش تأمین نماید، بنا بر قول تملیک جایز نیست، ولی بنا بر قول امتاع اجاره یا عاریه لباس جایز است و اگر مستعار تلف شود، ضمان آن بر زوج خواهد بود.

۲- ماهیت حقوقی نفقه

منظور از ماهیت حقوقی نفقه یا طبیعت حق زن بر نفقه، ریشه ها و نیروهای الزام آور قواعد حقوقی است که می تواند سرچشمه های مختلفی باشد و آن است که ببینیم آیا زن آنچه را که شوهر به عنوان نفقه به او می دهد مالک می شود یا فقط اذن در انتفاع به زن داده شده و او می تواند از آن استفاده کند.

۱. طبیعت حقوقی زن نسبت به نفقه

نفقه زن برای اعاشه و زندگانی اوست، لذا باید قبل از وقت احتیاج آماده باشد تا زن در موقع لازم بتواند از آن بهره مند گردد. اشیایی که شوهر به عنوان نفقه زن خود می دهد مختلف است، بعضی را شوهر تحت اختیار او می گذارد تا از آن منتفع گردد مانند مسکن، فرش و امثال آن و بعضی را به او می دهد تا مصرف نماید از قبیل خوراکی ها و آشامیدنی ها، لذا نحوه رابطه حقوقی زن نسبت به آن ها متفاوت است. (امامی، ج ۴، ص ۵۰۶)

۲. نفقه زن در دوران زوجیت

در اثر نکاح دائم، شوهر ملزم به دادن نفقه به زوجه خود می گردد. ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی می گوید: «در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است». چنان که از ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی استنباط می شود استحقاق زن به نفقه، زمانی است که نازره نگردد یعنی از تکالیفی که در اثر نکاح در مقابل شوهر عهده دار است سرپیچی نکند.

۳. اثر نشوز زن بر استحقاق نفقه

در ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی آمده: «هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود»؛ و در مورد نشوز زن گفته شده: «اگر زن بدون عذر موجه حاضر نشود که با شوهر خود زندگی کند یا رابطه جنسی داشته باشد یا با او در اداره خانواده همکاری کند، حتی بر نفقه ندارد و عذر موجه، مانند خوف بدنی یا مالی یا شرافتی، امتناع زن از رفتن به خانه شوهر را توجیه می کند و او را از کیفر مدنی محروم مانند از نفقه معاف می سازد؛ و در اختلاف زن و شوهر درباره پرداخت نفقه مدعی شوهر است، مگر این که ظاهر زندگی زناشویی و قرائن به سود او باشد و دلالت بر پرداخت کند». (کاتوزیان، ص ۶۷۴)

۳- کمیت و کیفیت نفقه

در شرع برای نفقه، مقدار معینی مشخص نگردیده است (شهیدثانی، ج ۸، ص ۴۳۹ و جمال الدین حلی، ج ۳، ص ۴۳) و به همین خاطر اختلافات بسیاری میان فقها برای تشخیص نفقه و مصادیق آن وجود دارد و فقها در بیان انواع و مصادیق نفقه برخی سه (حصکفی، ج ۳، ص ۵۷۳) برخی شش (محقق حلی، ج ۲، ص ۲۹۳ و علامه حلی، ج ۲، ص ۳۳) بعضی هفت (شهیدثانی، ج ۵، ص ۴۶) و در نهایت هشت (نجفی، ج ۳۱، ص ۲۳۱) مورد را ذکر نموده اند و علت این اختلافات به دو سبب است. (بصری، ص ۵۳)

الف) عدم وضوح مقیاس و معیار عام در نفقات زوجه در نزد بسیاری از فقها و بسنده نمودن آن ها به آنچه که در نصوص شریفه از زبان پیامبر اکرم (ص) و ائمه اهل بیت (ع) در بیان مصادیق نفقه وارد شده است.

ب) تفاوت میان عرف های اجتماعی در اعصار گوناگون و اماکن مختلف سبب گردیده که فقها در بیان و تشخیص مصادیق نفقه با هم اختلاف داشته باشند.

۳-۱ - انواع و مقدار نفقه

در این مبحث انواع و مقدار چیزهایی را که شامل نفقه می شود و نفقه به آن ها تعلق می گیرد از جمله: خوراک، پوشاک، مسکن، اثاث منزل، خادم و هزینه دارو و درمان را مورد بررسی قرار می دهیم و هر یک را بخش جداگانه می آوریم.

خوراک و مقدار آن

خوراک شامل خوردنی ها و نوشیدنی ها می شود و علاوه بر غذا (مانند نان و برنج) خورش غذا (مانند روغن، پنیر و گوشت و...) را نیز در بر می گیرد؛ و خورش با اختلاف فصول متفاوت می شود. میوه نیز متناسب با فصل های سال واجب می شود. (شهیدثانی، ج ۸، ص ۴۵۶ و زحیلی، ج ۷، ص ۷۹۸)

خوراک و مقدار آن از نظر امامیه

از میان فقهای امامیه شیخ طوسی در کتاب «الخلافا» نفقه زوجه را مطلقاً یک مد طعام در نظر گرفته است ولی در کتاب «مبسوط» قائل به تفصیل شده، بدین گونه در صورتی که شوهر توانگر باشد بایستی برای هر روز دو مد طعام و اگر معسر و فقیر باشد یک مد طعام و اگر از وضع معیشتی متوسطی برخوردار باشد باید یک مد و نیم بپردازد. (شیخ طوسی، ج ۵، ص ۱۱۲ و شیخ طوسی، ج ۶، ص ۶ و محقق سبزواری، ص ۵۱۲)

ابن ادریس با نظر شیخ طوسی مخالفت کرده و فرموده اند: هیچ فقیهی از امامیه حدی برای نفقه معین نکرده است مگر شیخ طوسی و ایشان دلیل بر عدم مقدار برای نفقه را قول خداوند متعال در آیه شریفه «وَعَاثِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: ۱۹) دانسته یعنی به آنچه که در نزد مرد متعارف است. هم چنین ایشان دلیل آورده اند که در مقدار نفقه، اصل، برائت ذمه زوج از تعیین حد و مقدار نفقه است پس کسی که چیز معینی را در نفقه ادعا می کند باید دلیل بیاورد اما دلیلی در کتاب و سنت و اجماع وجود ندارد و اصل، برائت ذمه زوج از مقدار زائد می باشد. (ابن ادریس حلی، ج ۲، ص ۶۵۵)

خوراک و توابع آنان از نظر فقهای عامه

فقهای اهل سنت اظهار داشته اند که زوج باید خوراک و نوشیدنی و خورش و آنچه که تابع آن است از آب و سرکه و زیتون و روغن خوراکی و هیزم و سوخت (جهت پختن و آماده کردن غذا) و مانند آن ها را برای زوجه تهیه نماید ولی تهیه میوه واجب نمی باشد. (کاسانی، ج ۴، ص ۲۳ و سیواسی، ج ۹، ص ۴۲۱ و حصکفی، ج ۳، ص ۵۷۹ و ابن رشد قرطبی، ج ۲، ص ۵۴ و ابن براج، ج ۲، ص ۱۶۱ و ابن قدامه، ج ۸، ص ۱۹۶ و بهوتی، ج ۵، ص ۴۶۰)

جمهور فقهای اهل سنت به جز شافعیه معتقدند که مقدار طعام به قدر کفایت زوجه تعیین می شود. (ابن قدامه، ج ۳، ص ۲۳۱) یعنی به آنچه که نیاز زوجه از طعام را کفایت کند (همانند نفقه اقارب) و برای این گفته خویش استناد کرده اند به سخن پیامبر (ص) که به همسر ابوسفیان فرمودند: «خَذِي مَا يَكْفِيكَ وَ لَدَكَ بِالْمَعْرُوفِ» به مقداری که تو و فرزندت را کفایت کند به شایستگی از اموال او بردار.

شافعیه در مقابل جمهور فقهای اهل سنت، قائل اند که نفقه طعام از حیوانات، به مقدار معینی بر اساس توانگری یا فقر زوج تعیین می شود زیرا کم ترین چیزی که در کفاره به یک نفر پرداخت می شود یک مد (مد به نظر شافعیه بر اساس وزن ۱۷۱ درهم) از حیوانات می باشد و خداوند سبحان کفاره را با نفقه بر خویشان سنجیده است آنجایی که می فرماید:

«مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ: از غذاهایی متوسطی که به خانواده خویش می خورانید». (مائده: ۸۹)

شافعیه دلیل آورده اند که هریک از کفاره و نفقه مالی هستند که به واسطه قانون شرع واجب شده و بر ذمه مستقر می گردد بنابراین چنانچه زوج ثروتمند باشد باید برای هر روز دو مد طعام بپردازد و اگر فقیر باشد یک مد و اگر از افراد متوسط جامعه باشد باید یک مد و نیم طعام بپردازد، شافعیه برای این تفصیل خویش به آیه ۷ سوره طلاق «لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ» استناد نموده اند.

کیفیت تقدیر طعام از نظر فقهای عامه

فقهای اهل سنت در کیفیت تقدیر نفقه طعام دو نظر دارند.

نظریه اول: مالکیه و حنبله معتقدند مقدار نفقه با توجه به وضعیت زوجین از لحاظ توانگری و فقر و مراعات جایگاه و شرافت زن و وضعیت شهرها تعیین می شود و برای این نظر استناد نموده اند به قول خداوند:

«لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا» (طلاق: ۷)

و سخن پیامبر(ص): «خَذِي مَا يَكْفِيكَ وَوَلَدَكَ بِالْمَعْرُوفِ» (شوکانی، ج ۶، ص ۳۸۲) البته از نظر حنبله وضعیت زوجین در هنگام عقد ازدواج معتبر می باشد.

نظریه دوم: حنفیه و شافعیه معتقدند نفقه طعام و پوشاک با توجه به فقر و غنای زوج تعیین می شود و برای این نظر استناد نموده اند به آیه ۷ سوره طلاق:

«لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا» و حدیث

پیامبر(ص): «أَطْعِمُوهُنَّ مِمَّا تَأْكُلُونَ، وَاكْسُوهُنَّ مِمَّا تَكْسُونَ، وَلَا تَضْرِبُوهُنَّ وَلَا تَقْبَحُوهُنَّ: از آنچه که می خورید آنان را طعام دهید و از آنچه که می پوشید آنان را بپوشانید و آنان را نزد و آنان را سرزنش نکنید».

هم چنین آن ها دلیل آورده اند که نفقه بر زوج واجب می باشد و زوجه به حال و وضعیت همسرش رضایت داده است و مقصود از کلمه معروف در حدیث، تعیین واجب بر زوج می باشد بنابراین وضعیت زوج در نظر گرفته می شود نه زوجه.

زمان ادای خوراک از نظر مذاهب اربعه

حنفیه و مالکیه قائل اند هر روشی که مناسب حال زوج می باشد و برای وی نیکو و آسان تر باشد در پرداخت نفقه تعیین می شود. (ابن عابدین، ج ۳، ص ۵۸۱) خواه به صورت روزانه باشد یا هفتگی یا ماهیانه یا سالیانه.

شافعیه و حنبله گفته اند که نفقه باید در ابتدای هر روز با طلوع خورشید در دسترس زوجه قرار بگیرد چراکه این زمان ابتدای وقت حاجت می باشد و اگر در زمان ادای نفقه با یکدیگر توافق نمایند جایز است. (شربینی، ج ۵، ص ۱۵۳)

شهیدثانی در مورد زمان ادای نفقه می فرماید: با توجه به این که مقصود از نفقه، رفع فقر و نیاز زوجه می باشد (چون که زوجه به جهت آن محبوس می باشد) پس واجب آن است که نفقه روز به روز به زن داده شود زیرا که اطمینانی نیست به این که زوجه تمام شرایط استحقاق نفقه مازاد بر یک روز را داشته باشد و احتیاج زوجه به همین مقدار برطرف می شود پس بر مرد واجب است که در صبح هر روز هنگامی که خورشید طلوع می کند نفقه زن را بپردازد و بر زن لازم نیست تا شب صبر نماید تا این که وجوب نفقه بر ذمه شوهر مستقر گردد چراکه زوجه پیش از تمام شدن روز به نفقه همان روز محتاج است. (شهیدثانی، ج ۸، ص ۴۶۲)

۲-۳. پوشاک

پوشاک عبارت است از: پیراهن، شلوار، کفش، جوراب، مقنعه و... و هر آنچه که انسان می پوشد. آنچه از ادله و منابع فقهی استفاده می شود، تهیه پوشاک زوجه، به عنوان نفقه، بر زوج واجب است. برخی از فقهای حنبلی از انواع پوشاک، لباس تجملی و زینتی را استثناء نموده و معتقدند اگر عادت غالب مردم شهر، پوشیدن لباس های کتان و حریر باشد، مراعات این عادت لازم نیست؛ اما بسیاری از فقهای امامی معتقدند اگر زن اهل تجمل باشد یا عادت مردم، پوشیدن این لباس هاست، بر مرد تهیه لباس های تجملی واجب می شود. (نجفی، ج ۳۱، ص ۳۳۴ و علامه حلی، ج ۳، ص ۱۰۵)

اکثر فقهای امامی در جنس لباس، عرف و عادت را ملاک قرار داده اند ولی بسیاری از فقهای شافعی، حنبلی و مالکی، حال زوجین را از لحاظ فقر و توانگری معتبر می دانند و معتقدند اگر زن و شوهر هر دو توانگر باشند، زوج لباس های متناسب با قشر و طبقه توانگران را باید تهیه کند و اگر هر دو فقیر باشند، تهیه لباس هایی که امثال آنان می پوشند، لازم می شود و اگر هر دو از طبقه متوسط جامعه باشند یا زوج فقیر و زوجه توانگر، یا به عکس باشد، لباسی متناسب با طبقه متوسط جامعه باید تهیه گردد. (کاسانی، ج ۵، ص ۱۵۳)

۳-۳. مسکن

تمام فقهای مذاهب بر وجوب تهیه مسکن برای زوج، با استناد به آیه: «أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ» (طلاق: ۶) و آیات دیگر، اتفاق نظر دارند. در این آیه خداوند به مردان امر می کند که زنانشان را سکنا دهند، در حدی که توانایی دارند. بر اساس ادله وجوب نفقه، زوج باید محلی را برای سکونت همسرش فراهم آورد، خواه محل مزبور ملک زوج باشد یا آن را به صورت اجاره یا عاریه یا طریق دیگر تهیه کرده و در اختیار همسرش قرار دهد. حق انتخاب مسکن با شوهر است و زن نمی تواند خانه مورد نظر خویش را بر شوهرش تحمیل کند، مگر این که اختیار مزبور به زن داده شود. البته شوهر نیز باید در انتخاب مسکن شئون همسر خود را رعایت کند و خانه ای مناسب و لایق حال او تهیه کند.

آنچه در مسکن مورد اختلاف است، استقلال زن در سکونت، یا مشارکت او با دیگران است. نظر مشهور فقهای مذاهب پنجگانه این است که زن حق دارد از زندگی مشترک با هوو یا خانواده شوهر و یا هر فرد دیگری، خودداری کند و این انتفاع که در مقام ایفای حق، صورت می گیرد، نشوز محسوب نمی گردد. (کاسانی، ج ۵، ص ۱۴۴) البته برخی از فقها پس از اذعان به این حق برای زن، معتقدند زن حق مطالبه خانه مجزا و مستقل ندارد، بلکه فقط حق دارد به صورت مستقل، بدون مشارکت دیگران، در اتاق مستقلی، مناسب حالش، زندگی کند. مستند نظر فقها در استقلال زن در سکونت، آیات: «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نسا: ۱۹) و «وَلَا تُضَارُوهُنَّ لَتَضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ» (طلاق: ۴) می باشد. امر به معاشرت به معروف و نهی از ضرر رساندن به زوج، اقتضاء دارد که زوج جانب استقلال زوج را در محل سکونت رعایت کند. برخی از حنفی ها معتقدند ابا و امتناع زوج از مشارکت خانواده همسر یا هوو و دیگران، در سکونت با وی، دلیل بر آزار و ضرر اوست که قرآن از آن نهی کرده است. برخی از مالکی ها معتقدند اگر زوج از جهت موقعیت فردی یا اجتماعی مقام و منزلتی نداشته باشد، حق ندارد از سکونت خویشان زوج در منزلی که خود سکنی دارد خودداری کند، مگر این که از طرف آنان به او زیانی برسد و یا ضمن عقد، عدم اشتراک سکنی با آنان را شرط کند.

به اعتقاد فقهای امامی اگر زوج غیرناشزه باشد و تصریح به تبرعی بودن سکونت زوج در منزلش نکرده باشد و محلی را برای سکونت از شوهر مطالبه نکند، در وجوب اجرت اشکال وجود دارد، زیرا از طرفی اسکان حق زوج است و این حق با سکونت وی و عدم مطالبه منزل، ساقط نمی گردد. پس زمانی که زوج منزلی را برای سکونت در اختیار زوج قرار ندهد، عوض آن سکنی برای زن خواهد بود که آن عوض اجاره است.

۳-۴. خادم

منظور از خادم، خدمتکار زن یا مرد می باشد که کارهای منزل زوج را انجام دهد و در کارهای منزل کمک کار او باشد.

خدمت زوج به زوج

چنان چه زوج به جای استخدام خادم، خود خواستار خدمت به همسرش باشد تا به این وسیله هزینه های خادم را از خود اسقاط کند به نظر اکثر فقها زن می تواند به این خدمت زوج رضایت ندهد. (ابن قدامه، ج ۸، ص ۲۰۱ و شربینی، ج ۵، ص ۱۶۱) و برخی از مالکی ها معتقدند که زن باید این خدمت را بپذیرد و زوج چنین حقی را دارد چراکه خدمت کردن حقی است که بر زوج واجب شده است. (نجفی، ج ۳۱، ص ۳۳۷ و محقق حلی، ج ۲، ص ۲۹۴)

تعیین خادم

به عقیده فقهای امامی، شافعی و مالکی در ابتدا حق تعیین خادم با زوج است، زیرا آنچه در وجوب استخدام برای گروهی از زنان مطلوب بوده، نفس خدمت است و چنان چه خدمتی که بواسطه زوج یا کسی که او تعیین نموده، برای زوج کافی باشد، تکلیف به نفقه در این مورد ساقط است، همانگونه که تکلیف به انفاق به نفقه در طعام، تکلیف به طعام معینی نیست و اگر به حد کفایت باشد، تکلیف ساقط است، علاوه بر آن که استخدام خادم چنان چه در اختیار زوج باشد، امکان آن که زوج، به خادم منتخب ربه و تهمتی وارد نماید وجود دارد. حنبلی ها معتقدند در صورتی که خادم ملک زوج باشد یا او را اجاره کرده باشد، در تعیین خادم، زوج حق تقدم دارد، اما اگر خادم ملک زوج باشد، خادم باید با توافق زوجین تعیین گردد. (بهوتی، ج ۵، ص ۴۰۴)

تعداد خادم

همه مذاهب اسلامی، غیر از مالکی ها، بیش از یک خادم را واجب نمی دانند. جمهور فقهای اهل سنت (ابوحنیفه، محمد، شافعی، احمد) معتقدند که تأمین بیشتر از یک خادم بر عهده زوج واجب نیست چون یک خادم کفایت می کند و نیاز زوج به یک خادم برطرف می

شود و ضرورتی برای تأمین دو خادم وجود ندارد. مالکيه در قول مشهورشان معتقدند که اگر شأن و موقعیت زن ایجاب می کند که بیش از یک خادم داشته باشد زوج ملزم به تأمین آن می شود.

نفقة خادم

از نظر حنابله نفقه خادم و هزینه های وی از پوشاک و طعام همانند نفقه زن فقیر می باشد. شافعی ها همان جنسی را که در طعام و لباس زوجه بیان شد با همان معیار و ملاک ذکر شده در نفقه خادم واجب می دانند؛ اما از نظر فقهای عامه اگر زوج فقیر باشد گرفتن خادم و نفقه او بر زوج واجب نیست چراکه از نظر آنان گرفتن خادم از ضروریات زندگی محسوب نمی شود و در این صورت زوجه باید در حد توان خویش خود را خدمت بنماید. در تعیین مقدار و جنس و نوع نفقه خادم برخی از فقهای امامیه عادت امثال خادم و قدر کفایت وی را معتبر می دانند. (شهیدثانی، ج ۸، ص ۴۵۸ و علامه حلی، ج ۳، ص ۱۰۵ و فاضل هندی، ج ۸، ص ۵۶۶) و برخی دیگر عادت امثال زنی که آن خادم را دارد معتبر می دانند. (بحرانی، ج ۲۵، ص ۱۲۳)

۴- معیار و ملاک در نفقه زوجه

در مورد ملاک تعیین میزان و مقدار نفقه در میان فقهای امامیه و اهل سنت سه نظریه وجود دارد.

۴-۱. ملاک در تعیین میزان و مقدار نفقه توان اقتصادی شوهر است

ملاک در میزان و مقدار نفقه حال زوج است. برخی از فقهای حنفیه (بدران ابوالعینین، ج ۱، ص ۲۴۶ و جزیری، ج ۴، ص ۴۹۳ و زحیلی، ج ۷، ص ۸۰۱) و شافعیه (شربینی، ج ۵، ص ۱۵۲) و امامیه (شیخ طوسی، ج ۶، ص ۶ و علامه حلی، ج ۷، ص ۳۱۹ و ابن براج، ج ۲، ص ۳۴۵ و مغنیه، ج ۵، ص ۳۱۳) معتقدند که ملاک در تعیین مقدار نفقه، حال زوج از جهت توانگری و فقر می باشد بنابراین بر طبق این نظریه زوج باید متناسب با وضعیت مالی خود به همسرش نفقه بپردازد مهم ترین دلایل این گروه عبارت است:

– آیه: «لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا» (طلاق: ۷) بر طبق این آیه شریفه هر کسی به اندازه وسعت و توانایی خویش انفاق می کند کسی که دارای وسعت و گشایش در روزی است بر حسب حال خود و با گشاده دستی و کسی که رزق و روزی اش کم است و معسر و تنگدست می باشد به میزان آنچه که خدا به او عطا کرده انفاق نماید.

– آیه: «أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ» (طلاق: ۶) در این آیه شریفه به مردان امر شده است که به اندازه توان و قدرت مالی که دارند به زنان نفقه پرداخت نمایند.

– از آنجایی که زوجه از وضعیت و توانایی مالی مرد آگاهی داشته و با این وجود به ازدواج با او رضایت داده است بنابراین این اقدام وی دلیل بر رضایتمندی او به وضعیت معیشتی مرد می باشد. (بدران ابوالعینین، ج ۱، ص ۲۴۶)

۴-۲. ملاک در تعیین میزان و مقدار نفقه وضعیت زوجه است

طرفداران این نظریه (شهیداول، ص ۱۸۹ و محقق حلی، ج ۲، ص ۲۹۳ و نجفی، ج ۳۱، ص ۲۳۰ و بحرانی، ج ۲۵، ص ۱۲۰ و فاضل هندی، ج ۷، ص ۵۶۳ و موسوی عاملی، ج ۱، ص ۴۸۶) استدلال کرده اند به:

– آیه: «عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره: ۲۳۳) که در این آیه شریفه رزق و کسوه به ضمیر «هن» اضافه شده است که به والدات در صدر آیه باز می گردد. (مغنیه، ج ۵، ص ۳۰۷) بنابراین بر طبق این آیه ملاک در تعیین مقدار نفقه زنان هستند نه مردان.

– آیه: «عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: ۱۹) بر طبق این آیه شریفه معاشرت به معروف این است که زوج آنچه را که زوجه بدان نیازمند است متناسب با وضعیت و شأن خانوادگی او تأمین نماید.

– سخن پیامبر به هند، همسر ابوسفیان «خُذِي مَا يَكْفِيكِ وَوَلَدَكَ بِالْمَعْرُوفِ» به مقداری که تو و فرزندت را کفایت کند به شایستگی از اموال او بگیر. این روایت دلالت بر مراعات کفایت زوجه و رفع نیازمندی های وی به طور متعارف دارد. (بصری، ص ۶۳)

– نفقه زوجه از این جهت واجب شده است تا نیازهای زوجه بر آورده شود بنابراین موقعیت و وضعیت او در رفع نیازمندی ها معتبر می باشد نه کسی که نفقه بر او واجب شده است.

– نفقه ای که به حکم زوجیت بر مرد واجب شده است همچون «مهر» اندازه معینی ندارد بنابراین تعیین آن متناسب با وضعیت و شأن زوجه می باشد همان گونه در مهر چنین است. اکثر فقهای امامیه در تعیین مقدار نفقه حال زوجه را ملاک می دانند. (شهیدثانی، ج ۸، ص ۴۵۶)

۳-۴. ملاک تعیین میزان نفقه

کیفیت نفقه زوجه در این نظریه منوط به رعایت حال هر یک از زوجین می باشد بنابراین اگر زوجین از نظر مالی هر دو ثروتمند باشد نفقه افراد ثروتمند برای زوجه در نظر گرفته می شود و چنان چه زوجین هر دو فقیر باشند نفقه وضعیت عسر در نظر گرفته می شود؛ اما اگر یکی از زوجین ثروتمند و دیگری فقیر باشد نفقه برحسب حال هر دو تعیین می شود. (جزیری، ج ۴، ص ۴۹۳) مالیکه، حنابل و حنفیه در یکی از دو قولشان نظریه فوق را پذیرفته اند. (ابن قدامه، ج ۸، ص ۱۹۵ و ابن رشد قرطبی، ج ۲، ص ۵۴)

اولویت این نظریه بر دو نظر پیشین این است که حال و وضعیت هر دو طرف در نظر گرفته می شود. تفاوت این سه نظریه در حالتی که زوجین از نظر مالی و معیشتی اختلاف داشته باشد آشکار می شود چون در صورتی که زوجین هر دو ثروتمند یا فقیر باشند مشکلی پیش نمی آید و اختلافی هم در این دو صورت وجود ندارد اما چنان چه زوج ثروتمند و زوجه فقیر باشد متعارف و شایسته نیست که نفقه افراد فقیر را برای زوجه در نظر بگیریم همان طور که عکس آن نیز چنین است و برای زوجه شایسته نیست که در تنگدستی و فقر شوهر نفقه افراد ثروتمند را از او مطالبه نماید زیرا خداوند متعال فرموده است: «لَا يَكْفِيكَ...». (ابوزهره، ص ۲۸۷ و بصری، ص ۶۳)

هم چنین این نظریه به خاطر جمع بین ادله بر دو نظریه پیشین ترجیح دارد زیرا آیه ۷ سوره طلاق دلالت بر مراعات حال زوج در تعیین میزان نفقه دارد و آیه ۱۹ سوره نساء و حدیث «خَذِي مَا يَكْفِيكَ وَ وَلَدَكَ بِالْمَعْرُوفِ» دلالت بر مراعات کفایت زوجه به طور متعارف دارد. بنابراین از جمع بین ادله، نتیجه گرفته می شود که ملاک تعیین مقدار نفقه، حال زوجین می باشد. (بصری، ص ۶۴)

دکتر کاتوزیان در تأیید نظریه فوق می فرماید که: ملاک تعیین نفقه نباید تنها وضعیت زن قرار داده شود بلکه موقعیت و وضع مالی شوهر نیز مورد نظر باشد زیرا زن و شوهر پس از نکاح یک خانواده را تشکیل می دهند و جدای از هم نیستند بنابراین اگر مردی ثروتمند با زنی فقیر ازدواج کند حق ندارد وضع گذشته او را مبنای تعیین مقدار نفقه بداند همچنان که، اگر زنی ثروتمند با کارگر ساده ای ازدواج کند نمی تواند از او انتظار فراهم کردن زندگی اشرافی داشته باشد. (کاتوزیان، ج ۱، ص ۱۷۴)

۵- نتیجه گیری

وجوب نفقه زوجه امری اجماعی بین فقهای اسلامی به شمار می رود و آیات و روایات متعددی بر آن دلالت دارد به حدی که اصل وجوب نفقه مسلم و قطعی است و هیچ کس در آن شک و تردید ندارد و از مبانی فقهی وجوب نفقه که مورد اتفاق فقها می باشد می توان به کتاب، سنت، اجماع و عقل اشاره نمود؛ و در رابطه با ماهیت نفقه، از موارد اتفاق فقهای مذاهب حکم به امتناعی بودن مسکن و خادم می باشد و موارد اختلاف آن ها، اختلاف در امتناعی یا تملیکی بودن لباس، اثاث منزل و خوراک و اختلاف در مبدأ استحقاق نفقه می باشد. به نظر برخی فقها دلیلی برای حصر انواع نفقه وجود ندارد و آیات و روایاتی که به خوراک و پوشاک و مسکن اشاره می کند، در مقام بیان نیازمندی ها می باشد، نه در مقام تحدید نفقه، هم چنین اطلاق ادله، مانند: «وَ عَاشِرُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» معیار و ملاک تشخیص نوع و جنس و به نظر برخی از فقها مقدار نفقه می باشد و اگر این ملاک نتواند وجود برخی از انواع نفقه، مانند هزینه های دارو و درمان و نظافت و تزئین را ثابت کند، در سایر موارد، مانند خادم و فرش و اثاث منزل و... نیز اعتبار خود را از دست خواهد داد. از این رو، باید همه موضوعات نفقه، بلکه نیازمندی های دیگر که قابل شمارش نیست، واجب باشد. هم چنین بهتر است که تعیین موضوع و نوع نفقه را به عرف و عادت محول کرد و آنچه شوهران به همسران خود از جهت زوجیت و نه از جهت شدت علاقه و... می پردازند، از موضوعات نفقه محسوب شود؛ و فقها در بیان انواع و مصادیق نفقه برخی سه، بعضی شش و برخی هفت و در نهایت هشت مورد را ذکر نموده اند اما با تأمل و دقت در دلایل وجوب نفقه زوجه این چنین به نظر می رسد که تأمین نیازمندی های زن بر مرد واجب و لازم است و مصادیق آن در زمان ها و مکان های مختلف، گوناگون خواهد بود و آنچه فقها در ذکر مصادیق ایراد نموده اند برای بیان موارد رایج در عصر خودشان بوده است و جنبه انحصاری ندارد. بنابراین می توان گفت که معیار و مقیاس شرعی در شناخت حوزه نفقه و مصادیق آن هر چیزی است که تحت عنوان «معاشرت به معروف» قرار گیرد از نیازهای ضروری مانند خوراک، پوشاک و مسکن و غیر ضروری مانند وسایل آرایش و تجملی بر حسب آنچه که عرف و عادت اجتماعی اقتضای آن را دارد.

منابع و مراجع

- [۱] قرآن کریم
- [۲] دوره مقدماتی حقوق خانواده، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۹
- [۳] ابن ادریس حلی، السرائر، (۱۴۱۱ق) تحقیق: لجنه التحقیق، قم، الاسلامی.
- [۴] قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، تهران، نشر میزان، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۸۹
- [۵] حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعه، ج ۱۴، شیخ محمد رازی، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
- [۶] حسن بن یوسف حلی (علامه)، (۱۴۱۳ق) قواعد الاحکام، مؤسسه نشر اسلامی قم، چ اول.
- [۷] عبدالعزیز بن براج، طرابلسی، (۱۴۰۶ق)، المذهب، ج ۲، مؤسسه النشر الاسلامی، قم.
- [۸] حمزه بن علی بن زهره حلی (۱۴۱۷)، غنیه النزوع الی علمی الاصول و الفروع، تحقیق: شیخ ابراهیم بهادری، قم، امام صادق (ع)
- [۹] ابن ادریس حلی، (۱۴۱۱) السرائر ج ۲، تحقیق: لجنه التحقیق، قم، الاسلامی.
- [۱۰] حلی (علامه)، حسن بن یوسف: «تحریر الاحکام»، مؤسسه آل البيت، چاپ سنگی، بی تا،
- [۱۱] حسن بن یوسف حلی (علامه)، تحریر الاحکام، مؤسسه آل البيت، چ سنگی
- [۱۲] سیواسی، کمال الدین محمد بن عبدالواحد، (بی تا) شرح فتح القدير، بیروت، دارالفکر
- [۱۳] سید حسن امامی، (۱۳۷۴)، «حقوق خانواده»، انتشارات دانشگاه تهران، چ چهارم، تهران.
- [۱۴] سید علی شایگان، (۱۳۳۱) حقوق مدنی ایران، تهران، چخانه مجلس، چ چهارم.
- [۱۵] سید محمد حسین طباطبایی: (۱۳۶۳)، «تفسیر المیزان»، ج ۲، سید محمد باقر همدانی، دفتر تبلیغات اسلامی قم.
- [۱۶] سید مصطفی محقق داماد، (۱۳۷۴)، «بررسی فقهی حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن»، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ پنجم.
- [۱۷] سید محسن طباطبایی حکیم، (۱۴۰۴) مستمسک العروه الوثقی ج ۱۴، مکتبه السید المرعشی، قم.
- [۱۸] سید محمد صادق روحانی (۱۴۱۴) فقه الصادق، ج ۲۱، دارالکتاب، قم.
- [۱۹] سید حسن امامی، (۱۳۷۶)، حقوق مدنی، ج ۴، انتشارات اسلامی، تهران.
- [۲۰] شیخ محمد حرعاملی، (۱۳۲۴) وسائل الشیعه، ج ۱۴، محمد تاجر کتابفروشی خوانساری، چاپ سنگی.
- [۲۱] سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، (۱۴۰۹)، العروه الوثقی ج ۲، بیروت، مؤسسه الاعلمی.